

بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با به کارگیری پانل داده‌ها (مطالعه موردی: کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا)

محسن زاینده رودی^۱

محمد خسروآبادی^۲

علیرضا شکیبایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۷

چکیده

باتوجه به روند فزاینده نابرابری درآمدی، نرخ بالای بیکاری، گسترش شهرنشینی، ناکارآمدی اقتصادی و نبود عدالت اقتصادی در جوامع مختلف بویژه در کشورهای در حال توسعه و پررنگ شدن نقش دولت‌ها در اجرای وظایف خود برای رسیدن به توزیع مناسب درآمد، نیاز به طرح موضوع حکمرانی خوب به شدت احساس می‌شود؛ به گونه‌ای که هدف عمده تحقیق، بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد طی دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۹ برای کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا با به کارگیری پانل داده‌ها می‌باشد، که از نرم افزار *Stata12* برای تخمین مدل‌ها استفاده شده، و دو مدل برآورد گردیده است. در مدل اول شاخص کیفیت حکمرانی خوب و در مدل دوم شاخص‌های ۶ گانه حکمرانی خوب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که شاخص کیفیت حکمرانی و شاخص‌های ثبات سیاسی و اثربخشی دولت، تأثیر منفی و معناداری بر کاهش نابرابری دارند، که اجرای مناسب این سیاست‌ها باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد در این کشورها می‌گردد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، توزیع درآمد، پانل داده‌ها، جنوب غربی آسیا

طبقه بندی JEL: A10 و F02

۱. استادیار گروه اقتصاد، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)
m_roody2000@yahoo.com

۲. استادیار گروه اقتصاد و مدیریت، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران
ampoor59@gmail.com

۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
Ashakibaee@yahoo.com

۱. مقدمه

با توجه به اینکه دیدگاه های اولیه پیشرفت توسعه می بایست به عنوان امری متاخر نسبت به رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، اولویت و اصالت به رشد اقتصادی داده می شد، اما تجربه دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی نشان داد که به رغم اینکه تعداد بسیاری از کشورهای مورد نظر به رشد اقتصادی رسیدند اما سطح زندگی توده های عظیمی در اکثر زمینه ها بدون تغییر ماند (قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰).

دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار از اواخر دهه هفتاد قرن بیستم شروع شده و تا ابتدای دهه ۹۰ میلادی ادامه داشت، دوره ای است که به نقش حداقلی دولت در توسعه تأکید می شد. اگرچه این دیدگاه (مکتب شیکاگو) خصوصی سازی را کمال مطلوب دانسته و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی و محدود کردن نقش دولت در اقتصاد بودند به شدت رواج یافت، که در کنار خصوصی سازی که یکی از عناصر برجسته تعدیل به شمار می رود، اما با توجه به امر کوچک سازی دولت ها تا پایان دهه ۸۰ میلادی، مشکلات و مسائلی که متعاقب نظریه حداقل دولت وجود داشت، موجب شد از اواسط دهه ۹۰ میلادی نارضایتی نسبت به دولت حداقلی شکل بگیرد و از پایان آن دهه، رویکرد حکمرانی خوب مورد استقبال گسترده قرار گرفت؛ به گونه ای که اقتصاددانان نهادگرا معتقد بودند که دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند و نه دو نهاد رقیب. بنابراین به جای بحث از مداخله و یا عدم مداخله دولت، باید از کارایی و اثربخشی دولت سخن گفت. اما آنچه مدنظر است، نگاه متفاوت به عملکرد دولت و آنهم توجه به عمق وظایف دولت (کیفیت دولت) است (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰: ۶۹-۷۱).

حال با توجه به مشکلاتی از قبیل فقر، نابرابری، تبعیض، فساد، تخریب محیط زیست، استفاده و تخصیص نادرست منابع مادی و انسانی، نرخ شهرنشینی فزاینده، بیکاری پنهان بالا، گسترش نامتعادل بخش دولتی، بی ثباتی اقتصادی و سیاسی، بالابودن هزینه های مصرفی دولت، نرخ تورم بالا از جمله چالش هایی است که کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند. با توجه به این شرایط، توجه به حکمرانی خوب ضرورت پیدا می کند، تا این کشورها به بازسازی دولت به طور اساسی بپردازند. در این راستا، حکمرانی خوب با تلفیق سازوکارها و روشهای مناسب در دولت می تواند، راه حل یگانه ای برای رفع مشکلات کنونی این جوامع باشد و با توجه به نقش مهم حکمرانی خوب و خلاء آن بخصوص در کشورهای در حال توسعه و تأثیر آن بر توزیع درآمد که یکی از مهمترین اهداف دولت ها به شمار می رود، و از این رو، هدف عمده تحقیق، بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با به کارگیری داده های تابلویی طی دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۹ برای کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا می باشد؛ کشور هایی که از لحاظ شاخص های حکمرانی در وضعیت ضعیفی هستند و با توجه به

شرایط اقلیمی متنوع، از وضعیت رفاهی متفاوتی برخوردارند. همچنین این کشورها با مشکلات و چالش‌های نسبتاً مشابهی دست و پنجه نرم می‌کنند و این مجموعه از کشورها از میراث نهادی و تاریخی مشترکی برخوردار هستند که مسیر حرکت آنها را به خود وابسته می‌دارد (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷: ۳۶۰).

داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای تحقیق از طریق منابع کتابخانه‌ای، سایت‌های اینترنتی، WDI (2014)^۱ و گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد تهیه شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، با روش‌های اقتصادسنجی و استفاده از داده‌های تابلویی^۲ صورت گرفته، و در این راستا، مقاله در ۵ بخش تدوین شده است. پس از مقدمه، بخش دوم، به ادبیات و پیشینه تحقیق، بخش سوم به ارائه مدل و معرفی متغیرها، بخش چهارم به تجزیه و تحلیل داده‌ها و بخش پنجم، به نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی پرداخته می‌شود.

با توجه به هدف عمده این مقاله، سؤال اصلی این است که آیا شاخص‌های حکمرانی خوب می‌توانند باعث بهبود در توزیع درآمد در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا شوند؟ بر اساس سؤال تحقیق، فرضیه زیر تدوین شده است: شاخص‌های حکمرانی خوب باعث بهبود توزیع درآمد در گروه‌های کشورهای منتخب می‌شوند. همچنین شاخص کیفیت حکمرانی باعث کاهش نابرابری درآمدی در گروه کشورهای منتخب می‌گردد.

برای پاسخگویی به سؤالات فوق با توجه به متغیرهای مختلف تأثیرگذار بر توزیع درآمد، مدل مورد نظر معرفی و با روش پانل داده‌ها^۳ طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۹ برآورد گردیده است.

۲. مبانی نظری و ادبیات تحقیق

با توجه به استراتژی‌های مختلفی که سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای حل مشکل توسعه نیافتگی کشورهای فقیر ارائه نمودند، اما نتایج حاصل از اجرای چنین سیاست‌هایی، نه تنها در حل مشکل رشد و توسعه اقتصادی کشورهای فقیر ناتوان بودند، بلکه مسائل و مشکلات فراوانی مانند گسترش فقر و نابرابری و پسرفت اقتصادی در کشورهای آفریقایی را می‌توان اشاره نمود، که پس از ناتوانی تئوری‌های رشد اقتصادی، در تبیین رشد اقتصادی کشورهای فقیر و نیز گسترش نابرابری در سطح جهانی، ابعاد دیگر و تازه‌ای از این تئوری‌ها شکل گرفت، که به مدل‌های نهادی و اقتصاد سیاسی رشد معروف شدند.

1. World Development Indicator (WDI)
2. Panel data
3. panel data

در دهه های اخیر، محققان فراوانی در بسط و گسترش دیدگاه نهادگرایی جدید نقش داشته و از نقش نهادها و تأثیرشان بر روند رشد و توسعه اقتصادی کشورها بحث کرده اند؛ اما به طور اساسی اقتصاد نهادگرایی جدید، ملهم از دیدگاه های سه اقتصاددان نهادگرایی معاصر یعنی رونالد کوز (Coase, 1937)، اولیور ویلیامسون (Williamson, 1985) و داگلاس نورث (North, 1990) می باشد و از جمله اولین مطالعات تجربی در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی توسط نک و کیفر (Knack & Keefer, 1995) صورت گرفته است (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰).

آنها در مقاله خود به ارتباط بین نهادها، سرمایه گذاری و رشد اقتصادی پرداختند. مطالعه آنها، حاکی از تأثیر زیاد نهادها بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی است. با آنکه بحث های نظری در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی جوامع بویژه بر فرایند رشد و توسعه آنها از دهه ها قبل صورت پذیرفته، اما مباحث تجربی آن سابقه چندانی ندارد. این حوزه تحقیقی، عرصه نو و جدیدی است که فضای گسترده ای برای تحقیق در آن وجود دارد. در زمینه تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد به طور غیر مستقیم مطالعات متعددی در خارج و داخل کشور صورت گرفته است. سامارتو و همکاران (Sumarto, Suryahadi and Arifianto 2004)، شفیق و هاگ (Shafique and Haq, 2006)، اکرام و دیگران (Akram et al. 2011)، و کادهری و همکاران (Chaudhry et al. 2006) به بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر فقر و نابرابری پرداخته اند. گانی و دونکن (Gani & Duncan 2004) به بررسی ساخت متدلوژی شاخص های حکمرانی خوب پرداختند.

ویرمانی و همکاران (Virmanim et al. 2006) به برآورد شاخص های حکمرانی خوب بر مبنای کیفیت خدمات ارائه شده توسط دولت پرداخته اند. همچنین در مطالعات داخلی می توان به رضایی (۱۳۸۶)، برادران شرکاء و ملک الساداتی (۱۳۸۶)، صباغ کرمانی (۱۳۸۷)، مهرآرا و اسدیان (۱۳۸۸)، مبارک و آذریبوند (۱۳۸۹)، کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷ و ۱۳۸۹)، بشیری و شقاقی شهری (۱۳۹۰)، سامتی و همکاران (۱۳۹۰)، حیدری و افشاری (۱۳۹۱)، شاه آبادی (۱۳۹۲) و دانایی فرد و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته اند؛ اما در مجموع مطالعه کاملی در زمینه تأثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد انجام نشده است.

در زمینه متغیرهای کنترلی نیز می توان به مواردی از جمله اکای (۲۰۰۶)، احمدی و مهرگان (۱۳۸۴)، سلیمی فر و نوروزی (۱۳۸۷)، مهرگان و زمانی شبخانه (۱۳۹۲) و عبادی (۱۳۹۱) اشاره نمود.

۲-۱. مکانیسم اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد

مکانیسم‌های تأثیرگذار شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد عبارتند از:

۱- **حق اظهار نظر و پاسخگویی:** آزادی‌های مدنی، انتشار آزاد اطلاعات و وجود نهادهای جامعه مدنی مثل انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات سالم به مردم یک جامعه کمک می‌کند تا دولت‌ها را انتخاب و یا برکنار کنند؛ به گونه‌ای که در صورت وجود سازوکارهای نظارتی و شفافیت قوانین، این امر هزینه‌های کسب و کار را کاهش می‌دهد و خود باعث افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود و با توجه به این امر، توزیع درآمد نیز تغییر می‌کند (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷: ۳۶۴).

۲. **ثبات سیاسی و عدم خشونت / تروریسم:** درگیری‌های جناحی، نزاع‌های داخلی و غیره که نشان از وجود بی‌ثباتی در کشور می‌باشد، به دنبال خود باعث افزایش ریسک و کسب نااطمینانی در فضای اقتصادی و فرار سرمایه‌ها از داخل به خارج می‌گردد که موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و کاهش رشد تولید و اشتغال و افزایش بیکاری می‌شود و به تبع آن افزایش فقر و نابرابری می‌گردد (Shafique and Haq, 2006: 2).

۳- **اثربخشی دولت:** کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می‌باشد. انجام وظایف محول شده همچون تأمین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز در فرایند تولید، باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی و در کنار آن موجب افزایش رقابت در اقتصاد، بالابردن سطح بهره‌وری و رشد کارآفرینی، و در مجموع باعث بهبود توزیع درآمد در جامعه می‌گردد (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

۴- **کیفیت قوانین و مقررات:** بر شفافیت و سیاست‌های سازگار در بازار تأکید دارد؛ به گونه‌ای که با اجرای دقیق و تدوین مناسب مقررات، سبب تشویق فعالان اقتصادی به تولید و بهبود محیط کسب و کار در جامعه شده و باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی در فضای مناسب به تولید بپردازند، که باعث ورود سرمایه‌های داخلی به بازار، افزایش فعالیت‌های تولیدی و کاهش بیکاری و به دنبال آن کاهش نابرابری می‌گردد (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷).

۵- **حاکمیت قانون:** میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است، تأکید بر تأمین قضایی، حفظ و تقویت دادگاه‌ها و قضات عادل و با انصاف از یک سو با حمایت از حقوق دارایی‌های فیزیکی و فکری و ضمانت اجرای قراردادهای، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه و مبتکرانه را

که عوامل مهمی در ایجاد اشتغال اند، افزایش می دهد، که باعث افزایش عدالت در جامعه شده و به بهبود توزیع درآمد کمک می کند (همان: ۱۵۰).

۶- کنترل فساد: این مؤلفه بیانگر استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی می باشد؛ به گونه ای که گوپتا- داووی و الونسو-ترمه (Gupta, Davoodi and Alonso-Terme, 1998) نشان داده اند، فساد از راه هایی از قبیل کاهش رشد، مالیات های تنازلی، هدف گیری ناکارآمدتر طرح های اجتماعی، دسترسی نابرابر به آموزش، انحرافات سیاسی به نفع نابرابری در تملک دارایی، کاهش هزینه های اجتماعی و افزایش مخاطرات سرمایه گذاری و کاهش سرمایه گذاری برای فقرا، نابرابری درآمد و فقر را افزایش می دهد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۷: ۳۰۹-۳۰۸).

۳- معرفی داده ها و الگوی تحقیق

در این مطالعه به منظور بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد، از داده های تابلویی ۲۳ کشور جنوب غربی آسیا^۱ طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۹ استفاده شده است و بقیه کشورها به دلیل در دسترس نبودن داده ها و اطلاعات از مدل حذف شدند. همچنین جهت برآورد داده های تابلویی از نرم افزار Stata12 استفاده شده است.

۳-۱. نوآوری تحقیق

تحقیق حاضر نسبت به مقالات اشاره شده و نیز تحقیقات دیگر موجود در این زمینه، دارای تفاوت هایی، هم در زمینه نوع شاخص های به کار رفته و هم، نمونه های کشورهای مورد بررسی دارد. با توجه به تجربه های دوره پیشین ناشی از اندازه دولت، دولت حداکثر و دولت حداقل (بازار)، نتایج نشان می دهد که هر یک به تنهایی، نهادهای اجتماعی دارای نقص بوده و با توجه به این موارد می توان بیان داشت که اندازه کوچک و بزرگ دولت دلیلی بر توسعه یافتگی نیست و با توجه به نادیده گرفتن نقش نهادی و سیاستی دولت در امر توسعه می توان بیان داشت که کلید توسعه در فراهم ساختن شرایط و نهادهایی است که دولت بتواند زمینه ساز رشد بازار و رفاه اجتماعی باشد، که تغییر نقش دولت ها از بعد کمی (اندازه دولت) و توجه به نقش کیفی دولت ها (نقش نهادی و سیاستی) در امر توسعه، در اواسط دهه ۹۰ میلادی، باعث شکل گیری الگوی حکمرانی خوب شد و

۱. شامل ۲۳ کشور جنوب غربی آسیا، که عبارتند از: افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، قبرس، گرجستان، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات، ازبکستان و یمن. دو کشور بحرین و فلسطین به دلیل نبود داده ها و اطلاعات از مدل حذف گردیدند.

همچنین با توجه به نقش فعال دولت در این الگو، ارائه کارآمد کالاها و خدمات عمومی (یا اجتماعی) به عنوان شاخص اثرگذار بر امر حکمرانی، باعث رشد بخش خصوصی و بهبود وضعیت رفاهی جامعه می‌شود، که نشان می‌دهد علاوه بر مصرف کالای خصوصی، مصرف کالاها و خدمات عمومی می‌تواند رفاه اجتماعی را بهبود بخشد و این امر از طریق سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی به عنوان مکمل یکدیگر امکان پذیر شده است. در مجموع در این تحقیق، مصرف کالاها و خدمات به دو بخش مصرف کالاهای خصوصی و مصرف کالاهای عمومی تقسیم و در تابع رفاه اجتماعی وارد گردیده که به عنوان نوآوری تحقیق آورده شده است.

۲-۳. ساخت متدولوژی شاخص های حکمرانی خوب

برای ساخت شاخص های حکمرانی خوب، منابع داده های انفرادی زیادی با توجه به ۶ بعد حکمرانی با یکدیگر ترکیب می‌شوند. برای انجام این کار از ابزار آماری مدل ترکیبات ذهنی^۱ استفاده می‌شود. بحث اصلی این رویکرد آماری، به طور مستقیم، فراهم نمودن هر یک از منابع داده های انفرادی، یک سیگنال ناقصی از بعضی مفاهیم عمیق حکمرانی می‌باشد که به طور مستقیم به سختی می‌توان مشاهده نمود. در این روش، چنانچه کاربران داده های انفرادی با مساله استخراج سیگنال مواجه شوند، یک سیگنال اطلاع دهنده راجع به جزء عمومی حکمرانی ذهنی بر اساس هر یک از منابع داده های انفرادی از یکدیگر جدا می‌شوند و به طور بهینه، منابع داده های انفرادی برای رسیدن به بهترین سیگنال ممکن حکمرانی در یک کشور با توجه به همه داده های در دسترس با یکدیگر ترکیب می‌شوند. مدل ترکیبات ذهنی یک راه حلی برای مساله استخراج سیگنال فراهم می‌نماید. برای هر یک از اجزای ۶ گانه حکمرانی که در بالا ذکر گردید، فرض می‌شود که می‌توان امتیاز عینی کشور y_{jk} را از روی شاخص k ، نوشت، به طوری که یک تابع خطی از حکمرانی ذهنی در کشور j ، g_j و یک جمله اخلاص ε_{jk} به صورت زیر می‌باشد:

$$y_{jk} = \alpha_k + \beta_k(g_j + \varepsilon_{jk}) \quad (1)$$

جایی که α_k ، β_k پارامترهایی هستند که نقشه حکمرانی ذهنی در کشور j ، g_j را به داده های عینی از منبع k (y_{jk}) مرتبط می‌سازند. همچنین فرض می‌شود که g_j یک متغیر تصادفی با توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس یک باشد. این بدان معنی است که واحدهایی از شاخص های حکمرانی کلی از یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد با میانگین صفر و انحراف استاندارد واحد پیروی می‌کند و دامنه تقریبی آن از ۰.۵ تا ۲.۵ می‌باشد. پارامترهای α_k ، β_k و این حقیقت

1. Unobserved Component Model

را منعکس می نمایند که منابع مختلف، واحدهای متفاوت برای اندازه گیری حکمرانی به کار می برند. همچنین فروض زیر را دارا می باشند:

۱- فرض می شود که جمله خطا دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و یک واریانس که در میان

کشورها مشابه ولی در میان شاخص ها متفاوت است، به گونه ای که: $V[\varepsilon_{jk}] = \sigma_k^2$

۲- فرض می شود که خطاها در میان منابع، مستقل از یکدیگر هستند: $E[\varepsilon_{jk}\varepsilon_{jm}] = 0$

۳- جمله خطا ε_{jk} ، منبع نااطمینانی در رابطه بین حکمرانی درست و شاخص های عینی را در بر می گیرد. مورد اول بدین موضوع اشاره دارد که بعد خاصی از حکمرانی که به وسیله شاخص k به طور ناقص در هر کشور اندازه گیری می شود، پوشش می دهد. دوم رابطه بین مفهوم خاص اندازه گیری شده به وسیله شاخص k و بعد وسیع تر حکمرانی که ممکن است ناقص باشد را ارائه می نماید.

با توجه به تخمین ضرایب مدل، اکنون می توان به تخمین حکمرانی ذهنی g_j با داده های عینی y_{jk} برای هر کشور پرداخت. مدل اجزاء ذهنی اجازه می دهد که بتوان دانش حکمرانی ذهنی در کشور j با به کارگیری توزیع شرطی g_j بر روی داده های عینی y_{jk} را بررسی کرد. این توزیع با میانگین زیر نرمال است:

$$E\{g_j | y_{j1}, \dots, y_{jk}\} = \sum_{k=1}^k w_k \frac{y_{jk} - \alpha_k}{\beta_k} \quad (2)$$

و یک میانگین وزنی از امتیازات دوباره مقیاس بندی شده برای هر کشور را نشان می دهد که وزنها به وسیله هر منبع k یعنی $\frac{y_{jk} - \alpha_k}{\beta_k}$ تعیین می شوند، و هرچه وزن بیشتری داشته باشند، واریانس جمله خطای منبع کوچکتر است. به عبارتی دیگر، منابعی که یک سیگنال اطلاع دهنده گی بیشتری از حکمرانی فراهم می آورند، وزن بیشتری دریافت می کنند (Kaufmann, Kraay and Mastruzzi 2010).

۳-۳. مبانی نظری

با توجه به اینکه هدف عمده تحقیق، بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با استفاده از داده های تابلویی برای گروه کشورهای جنوب غربی آسیا می باشد، اما آنچه مدنظر است، نحوه ارتباط و مکانیسم اثرگذاری شاخص های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد می باشد، می توان به این مساله پرداخت که تا دهه ۹۰ میلادی دخالت دولت ها به صورت افزایش اندازه دولت (افزایش مطلق و یا نسبی مخارج دولتی) و آنهم از طریق ارائه کالاها و خدمات عمومی (از جمله آموزش، بهداشت، جاده و غیره) بوده که ممکن است این مخارج به بهبود رشد و توسعه اقتصادی (و بویژه در کشورهای در حال توسعه) به دلایل مختلف نینجامد؛ به گونه ای که نقش کیفیت دولت که همان توجه به منابع نهادی و شرایط سیاستی در توسعه می باشد، مورد توجه واقع نشده است. اما از اواسط

دهه ۹۰ میلادی و با نتایج نامناسب الگوی دولت حداقل که از طریق سیاست‌های تعدیل انجام شد، زمینه را برای ورود تأثیر شاخص‌های نهادی و سیاستی در دولت فراهم آورد؛ به گونه‌ای که اقتصاددانان نهادگرا معتقد بودند که کارایی ساز و کار نهادها می‌تواند در بهبود کیفیت و کارایی دولت‌ها کمک کند و علاوه بر افزایش عملکرد اقتصادی، به افزایش رفاه اجتماعی کمک کند، که چنین الگویی، الگوی حکمرانی خوب است، که از طریق چنین الگویی، ارائه کارآمد و مؤثر کالاها و خدمات عمومی پایه به عنوان عامل تعیین‌کننده کیفیت حکمرانی به حساب می‌آید. حال چنانچه این مخارج (به عنوان مخارج عمرانی دولت) در کنار الگوی حکمرانی خوب به ارائه و عرضه کالاها و خدمات عمومی بپردازد، که این نوع مخارج به عنوان مخارج مولد دولت مورد توجه قرار می‌گیرد، که برای محاسبه مخارج سرمایه‌گذاری دولت در کالاهای عمومی، از حاصل ضرب نسبت اندازه دولت (نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی) در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص استفاده شده است. با توجه به اینکه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص که دربرگیرنده مخارج دولت و بخش خصوصی در بخشهای تجهیزات و ماشین‌آلات و بخش ساختمان می‌باشد، به طور مجزا برای دولت در کشورهای مختلف وجود نداشت، به ناچار از این متغیر استفاده شده است. به این دلیل که این دو بخش با یکدیگر رابطه متقابل و اثر همپوشانی بر روی یکدیگر دارند، که رابطه زیر برای محاسبه سرمایه‌گذاری دولت در کالاهای عمومی استفاده شده است:

$$G2 = I * (G/GDP) \quad (1)$$

در اینجا (G/GDP) ضریب یا سهم سرمایه‌گذاری‌های دولت در تولید کالاهای عمومی از کل سرمایه‌گذاری‌های دولت می‌باشد که نسبت (G/GDP) به عنوان تعدیل‌کننده مخارج سرمایه‌گذاری کل (ناخالص) دولت نیز می‌تواند باشد و یا به عبارتی در مجموع $(G2)$ سرمایه‌گذاری دولت در کالاها و خدمات عمومی می‌باشد.

همچنین از شاخص‌های حکمرانی خوب (GGI) به عنوان معیاری برای ساختار نهادی و حکمرانی استفاده شده است. حال با توجه به اینکه هدف تحقیق، بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با به کارگیری تابع رفاه اجتماعی سن است، که بر اساس آن μ شاخص تغییرات درآمد (درآمد سرانه) و G توزیع درآمد (ضریب جینی) به طور همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد. حال با توجه به به کارگیری توابع رفاه اجتماعی در مدل، به بیان مفروضات حاکم بر این توابع پرداخته می‌شود که این فرضیه‌ها عبارتند از:

۱- تابع رفاه اجتماعی یک تابع فردی غیرکاهنده است. y_{iA} اهمیت موقعیت اقتصادی شخص i در شرایط اجتماعی A است. اگر سطح رفاه در هر نقطه A را با W_A معرفی کنیم، به گونه‌ای که رفاه اجتماعی برداری از درآمد افراد می‌باشد، می‌توان نوشت:

$$W_A = w(y_{1A}, y_{2A}, \dots, y_{nA}) \quad i=1, 2, \dots, n \quad (2)$$

۲- تابع رفاه اجتماعی متقارن است:

$$w(y_1, y_2, \dots, y_n) = w(y_2, y_1, \dots, y_n) = w(y_n, \dots, y_2, y_1) \quad (3)$$

۳- تابع رفاه اجتماعی تابعی جمع پذیر است که می توان آن را به صورت زیر نوشت:

$$w(y_1, y_2, \dots, y_n) = \sum_{i=1}^n u_i(y_i) = u_1(y_1) + u_2(y_2) + \dots + u_n(y_n) \quad (4)$$

که u_1 تابعی از y_1 می باشد و به همین ترتیب. اگر این سه شرط برآورده شوند، آنگاه تابع رفاه اجتماعی را می توان به صورت زیر نوشت:

$$= u(y_1) + u(y_2) + \dots + u(y_n) \quad (5)$$

که w یک تابع یکسان برای هر فرد است و $u(y_i)$ با افزایش درآمد افزایش می یابد. به عبارتی، فرضیه جمع پذیری برای تمامی توابع رفاه اجتماعی افراد و برای همه کشورها در نظر گرفته می شود، که با توجه به چنین فرضیه ای می توان توابع رفاه اجتماعی را برای تمامی افراد در کشورهای مختلف با یکدیگر جمع نمود که می تواند به عنوان نوعی محدودیت برای توابع رفاه اجتماعی تلقی شود.

۴- تابع رفاه اجتماعی یک تابع اکیداً مقعر است.

۵- تابع رفاه اجتماعی کشش ثابت دارد (ذاکر هنجنی، ۱۳۸۶: ۹۰-۸۸).

۶- مطلوبیت برای تمامی افراد در کشورهای مختلف یکسان و مشابه در نظر گرفته می شود.

۷- مطلوبیت حاصل از مصرف کالاهای مختلف مستقل از یکدیگر می باشد.

با توجه به اینکه در اکثر تحقیقات انجام شده در توابع رفاه اجتماعی، رفاه اجتماعی تحت تأثیر مصرف یا درآمد قرار می گیرد، می توان رفاه اجتماعی را به صورت برداری از مصرف و یا درآمد نوشت:

$$W = w(y_1, y_2, \dots, y_n), \quad W = w(C_1, C_2, \dots, C_n), \quad (6)$$

در مجموع می توان بیان داشت که علاوه بر مصرف کالای خصوصی، مصرف کالاها و خدمات عمومی نیز رفاه اجتماعی را افزایش می دهد، که مصرف را می توان با توجه به موارد فوق به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

$$C = C_1 + C_2 \quad (7)$$

منظور از C_1 مصرف کالای خصوصی و C_2 مصرف کالای عمومی می باشد. اما آنچه مهم است، با توجه به اینکه رفاه اجتماعی، هم تحت تأثیر مصرف و هم، درآمد است، این اجازه داده می شود که این دو، معادل یکدیگر قرار داده شوند:

$$W = f(y) = f(c) \quad (8)$$

همچنین با توجه به اینکه شکل تصریح شده تابع رفاه اجتماعی سن به صورت $w = \mu (1 - G)$ است، با توجه به روابط فوق و شکل تصریح یافته تابع رفاه سن، می‌توان به تابع رفاهی دست یافت که دربرگیرنده مصرف کالاهای خصوصی و مصرف کالاهای عمومی باشد:

$$\mu (1 - G) W = f(y) = f(c) = \quad (7)$$

همچنین با توجه به اینکه شاخص‌های نابرابری در الگوی توزیع درآمد، ویژگی‌های اصل انتقال پیگو-دالتون، اصل استقلال از مقیاس درآمد، اصل جمعیت، اصل گمنامی یا تقارن، اصل انتقال نزولی و اصل تجزیه پذیری را داراست (خدادکاشی و حیدری، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۱۵۶). حال با تساوی رابطه شماره ۸ و شکل تصریح یافته تابع رفاه اجتماعی سن، می‌توان به تابع رفاهی دست یافت که در برگیرنده مصرف کالای خصوصی و کالای عمومی باشد:

$$w = f(y) = f(c) = \mu (1 - G) \rightarrow W = f(c_1, c_2, G, \mu) \quad (10)$$

همچنین با توجه به اینکه در ارائه کالاها و خدمات عمومی، سرمایه گذاری دولت در ارائه این کالاها و شاخص‌های حکمرانی خوب دخیل هستند، می‌توان تابع رفاه اجتماعی را در حالت کلی به صورت زیر نوشت:

$$w = f(c_1, c_2) \rightarrow w = f(c_1, G_2, GGI, \mu) \quad (14)$$

ضریب جینی نیز به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$G = 1 - \frac{f(c_1, c_2)}{\mu} \rightarrow G = 1 - \frac{f(c_1, G_2, GGI)}{\mu}$$

۳-۴. تصریح مدل

با توجه به آنچه که در مبانی نظری مدل بدان اشاره شد، بعد از تعدیلات لازم، مدل‌ها به دو صورت تبیین شده‌اند. یک مدل بر اساس شاخص کیفیت حکمرانی و دیگری بر اساس شاخص‌های ۶ گانه حکمرانی خوب مورد برآورد قرار گرفت، که با وارد کردن ۳ متغیر کنترلی، دو مدل به صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

مدل اول:

$$\text{Gini}_{it} = B_0 + B_1 C_{1it} + B_2 G_{2it} + B_3 Gq_{it} + B_4 \mu_{it} + B_5 UP_{it} + B_6 Eii_{it} + B_7 Demo_{it} + \varepsilon_{it} \quad (15)$$

مدل دوم:

$$\text{Gini}_{it} = \alpha_i + \beta_1 vai_{it} + \beta_2 psi_{it} + \beta_3 gei_{it} + \beta_4 rqi_{it} + \beta_5 rli_{it} + \beta_6 cci_{it} + \beta_7 G_{2it} + \beta_8 C_{1it} + \beta_9 \mu_{it} + \beta_{10} Up_{it} + \beta_{11} Eii_{it} + \beta_{12} Demo_{it} + \varepsilon_{it} \quad (16)$$

که در آن، i نشان دهنده مقطع‌ها یا واحدهای مشاهده شده، t نشان دهنده دوره زمانی و α_i و θ_i به ترتیب ضرایب مربوط به اثرات دوره و مقطع هستند. ε_{it} نشان دهنده خطای برآورد داده‌های

تلفیقی است که تمام شرایط مربوط به جملات خطا تحت فرضیات گوس-مارکوف^۱ را داراست (Yaffee 2003).

Gini: ضریب جینی که به عنوان معیاری برای شاخص نابرابری به کار می رود و متغیر وابسته می باشد. G_{qi} شاخص کیفیت حکمرانی خوب و متغیرهای $vai.psi.gei.rqir.li$ و cci شاخص های ۶ گانه حکمرانی خوب می باشند. $G2$ مخارج سرمایه گذاری دولت در کالاها و خدمات عمومی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ میلادی، C_1 مخارج مصرفی نهایی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ میلادی، μ متغیر درآمد سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ میلادی (که در برآورد به جای آن از y استفاده شده است)، همچنین سه متغیر به عنوان متغیرهای کنترل در مدل لحاظ شده اند، که این متغیرها شامل UP نرخ شهرنشینی، E_{ii} شاخص آزادی اقتصادی که داده های آن از مؤسسه بنیاد هریتیج، و $Demo$ شاخص دموکراسی که اطلاعات آن از خانه آزادی گرفته شده است.

همچنین U جمله خطا می باشد. با توجه به مطالعات انجام شده و روابط فوق الذکر، انتظار می رود، رابطه بین ضریب جینی، شاخص کیفیت حکمرانی و شاخص های حکمرانی خوب با ضریب جینی، رابطه منفی و معنادار داشته باشند. به عبارت دیگر، علامت β_3 در مدل اول و β_1 تا β_6 در مدل دوم منفی می باشند. شاخص کیفیت حکمرانی و شاخص های حکمرانی خوب نیز انتظار می رود با ضریب جینی رابطه منفی داشته باشند.

بر این اساس، دامنه اعداد شاخص های حکمرانی خوب بین صفر تا صد اندازه گیری می شوند؛ به طوری که اعداد بزرگتر نشان دهنده پیامدهای بهتر نهادهای حکمرانی هستند. در این مطالعه با پیروی از مبانی نظری و مطالعات انجام شده در این حوزه، ۳ متغیر به عنوان متغیرهای کنترلی برونزا در مدل لحاظ شده اند، که این متغیرها شامل نرخ شهرنشینی (به صورت درصد)، شاخص دموکراسی و شاخص درجه آزادی اقتصادی می باشد؛ به گونه ای که ارتباط میان نرخ شهرنشینی با توزیع درآمد همان طور که در پیشینه تحقیق بدان اشاره شد، نامشخص است و به عبارت دیگر، علامت β_5 در مدل اول و β_{10} در مدل دوم، نامشخص می باشد. همچنین ارتباط میان شاخص دموکراسی و شاخص درجه آزادی اقتصادی با ضریب جینی منفی است. به عبارت دیگر، علامت متغیرهای β_6 و β_7 در مدل اول و علامت متغیرهای β_{11} و β_{12} برای مدل دوم، منفی می باشد. همچنین رابطه درآمد سرانه با ضریب جینی نیز دارای جهت های متفاوتی است. به عبارت دیگر، B_4 در مدل اول و β_9 در مدل دوم دارای جهت های متفاوتی می باشند. برای آزادی فرضیه های مطرح شده و پاسخ به سؤالات پژوهش،

1. Gauss-Markov

الگوی منتخب در دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۹ برای گروه کشورهای فوق‌الذکر مورد برآورد قرار گرفت تا امکان مقایسه شرایط متفاوت حکمرانی و تأثیر این تفاوت بر توزیع درآمد فراهم گردد.

۳-۴-۳- روش جمع‌آوری داده‌ها

در این مطالعه، شش شاخص حکمرانی خوب ارائه شده توسط بانک جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها، حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی به نام‌های دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدولوباتون است، که یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی را معرفی نموده‌اند. نتیجه کار آنها در قالب شش شاخص و با دادن نمراتی از ۲/۵- (به بدترین حالت) تا ۲/۵+ (به بهترین حالت) و یا رتبه بندی از ۰ تا ۱۰۰ برای هر شاخص، ارائه شده است (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰). شاخص کیفیت حکمرانی نیز شاخصی است که بانک جهانی برای آن شاخص عددی محاسبه نکرده است.

در این تحقیق، بر اساس مطالعه (Gani & Duncan, 2004) میانگین ساده حسابی ۶ شاخص حکمرانی خوب به عنوان شاخص کیفیت حکمرانی محاسبه شده است (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۹). آمار و اطلاعات لازم برای این پژوهش با استفاده از منابع معتبر آماری نظیر گزارش‌های منتشر شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد، شاخص‌های توسعه جهانی بانک جهانی (WDI) و شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI)^۱ به دست آمده است. داده‌های مربوط به متغیرهای مخارج مصرفی خصوصی، حاصل ضرب (نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵) در تشکیل سرمایه به عنوان معیاری برای مخارج سرمایه‌گذاری بخش دولتی از شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)^۲ بانک جهانی استخراج شده‌اند. درآمد سرانه از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت کشور به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ میلادی بر حسب دلار آمریکا به دست می‌آید.

با توجه به اینکه درآمد سرانه به عنوان معیاری برای رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، در زمینه رابطه بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی می‌توان به نظریه کوزنتس اشاره نمود. او این فرضیه را مطرح نمود که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری در ابتدا افزایش پیدا کرده و پس از ثابت ماندن در یک سطح معین به تدریج کاهش می‌یابد. این الگو به عنوان منحنی U وارون کوزنتس معروف است؛ که به لحاظ نموداری، نظریه کوزنتس بیانگر رابطه‌ای به شکل U معکوس بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد است (مهرگان و زمانی شبخانه، ۱۳۹۲).

1. Worldwide Governance Indicators (2015)
2. World Development Indicators

با توجه به ادبیات تحقیق و مطالعات نظری انجام شده، ۳ متغیر کنترلی به مدل اضافه شده اند. اولین متغیر، شاخص آزادی اقتصادی می باشد، که داده های مربوط به آن از آمارهای بنیاد هریتیج^۱ گرفته شده است. شاخص آزادی اقتصادی یک میانگین موزون برابر از ۵ متغیر در ۱۰ طبقه گسترده از شاخص هایی که درجه آزادی اقتصادی را تعیین می کند تشکیل شده است. این متغیرها، شامل سیاست های تجاری، بار مالی دولت، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست های پولی، جریان سرمایه و سرمایه گذاری خارجی، بانکداری و تأمین مالی، قیمت ها و دستمزدها، حقوق مالکیت، قوانین و مقررات و بازار سیاه هستند (Akçay, 2006).

دومین متغیر، شاخص دموکراسی می باشد و داده های مربوط به شاخص دموکراسی از مؤسسه خانه آزادی^۲ استخراج و شاخص دموکراسی از خانه آزادی گرفته شده است؛ به گونه ای که بر مبنای نظرسنجی جهانی^۳ و با توجه به دو شاخص حقوق سیاسی و آزادی های مدنی اندازه گیری می شود. حقوق سیاسی به مردم در جهت مشارکت آزادانه در فرایندهای سیاسی کمک می کند. این حقوق دربرگیرنده حق رأی و رقابت برای مناصب دولتی و انتخاب نمایندگانی است که حق (رأی) تصمیم گیری برای بررسی سیاست های عمومی را بر عهده دارند. آزادی های مدنی دربرگیرنده آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل انجمن، آزادی مذهب و آزادی بیان می باشد. شاخص دموکراسی، به وسیله میانگین متغیرهای حقوق سیاسی و آزادی های مدنی محاسبه می گردد (Akçay, 2006). سومین متغیر، نرخ شهرنشینی می باشد که داده های آن از سایت بانک جهانی گرفته شده است. در این پژوهش، شاخص های رتبه بندی شده حکمرانی خوب (بین صفر تا ۱۰۰) در کشورهای منتخب کشورهای جنوب غربی آسیا مورد محاسبه قرار گرفته است.

۴. نتایج حاصل از آزادی مدل ها

۴-۱. روش تخمین مدل

در این مدل ها برای برآورد تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد از روش داده های تابلویی و از نرم افزار Stata12 استفاده شده است. روش داده های تابلویی در تشخیص و اندازه گیری اثراتی که به راحتی در مطالعات مقطعی و سری زمانی خاص قابل پیش بینی نیستند، توانایی بهتری دارد و اجازه می دهد مدل ها رفتاری پیچیده تری را در مقایسه با مدل های داده های مقطعی یا سری زمانی داشته باشند. لذا روش مورد استفاده در این تحقیق، روش داده های تابلویی است (علمی و فائزی، ۱۳۹۱: ۴۳).

1. Heritage Foundation
2. Freedom House
3. World Survey

داده های ترکیبی به دلیل آنکه هم تغییرات زمانی و هم تغییرات درون هر مقطع را منعکس می کند، می تواند اطلاعات بیشتری را پوشش دهد. بسیاری از نکاتی که در تحلیل سری های زمانی نادیده گرفته می شوند و یا غیرقابل مشاهده اند، در تحلیل داده های ترکیبی روشن می شوند؛ بویژه ناهمگنی هایی که غالباً در تحلیل سری های زمانی از آنها چشم پوشی می شود و اصطلاحاً غیر قابل مشاهده هستند، در تحلیل داده های ترکیبی امکان بررسی آنها فراهم می گردد (سوری، ۱۳۹۲: ۷۶۷). نتایج حاصل از مدل ها در ابتدا به صورت آزادی ریشه واحد، آزادی همگنی و هاسمن و در نهایت، برآورد مدل ها می باشد.

جدول ۱-۴. نتایج آزادی ریشه واحد برای کشورهای جنوب غربی آسیا

| LLC | | متغیر |
|---------|--------|----------------|
| احتمال | مقدار | |
| ۰۰ .۰ | -۱۸ .۷ | Cci |
| ۰۱ .۰ | -۳۲ .۲ | Gdp |
| ۰۱۸ .۰ | -۱ .۲ | C ₁ |
| ۰۰ .۰ | -۷ .۲ | Demo |
| ۰۰ .۰ | -۲ .۵ | Eii |
| ۰۰ .۰ | -۷ .۱ | G ₂ |
| ۰۰۲ .۰ | -۵ .۳ | Gei |
| ۰۰۸۲ .۰ | -۳۹ .۲ | Gini |
| ۰۰ .۰ | -۸۵ .۵ | Gqi |
| ۰۰ .۰ | -۶ .۱ | I |
| ۰۰ .۰ | -۸۵ .۶ | Psi |
| ۰۰ .۰ | -۸۵ .۶ | Rli |
| ۰۰ .۰ | -۷ .۴ | Rqi |
| ۰۰ .۰ | -۸ .۸ | Up |
| ۰۰ .۰ | -۱۵ .۷ | Vai |
| ۰۰ .۰ | -۱۱ .۴ | Y |

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از آزادی ریشه واحد که از طریق نرم افزار Eviews8 انجام شده است، برای این گروه نشان می دهد که همه متغیرها بجز متغیرهای درآمد سرانه، شاخص دموکراسی و نرخ شهرنشینی که در مرتبه اول مانا شدند، بقیه متغیرها در سطح مانا بوده و بنابراین احتمال گرفتار شدن در رگرسیون های کاذب به حداقل می رسد.

۴-۲. نتایج آزادی همگنی و هاسمن

نتایج آزادی های همگنی و هاسمن برای معادله اول مربوط به کشورهای جنوب غربی آسیا در جدول (۴-۴) گزارش شده است. بر این اساس، فرض همگنی ضرایب در مقابل فرض اثرات ثابت تأیید نمی شود؛ چرا که آماره F محاسبه شده در مدل های اول و دوم با توجه به نتایج جدول فرض صفر در مقابل فرض مخالف رد می شود و مدل ها بر اساس روش داده های تابلویی تخمین زده می شوند. همچنین آزادی هاسمن نیز نشان می دهد با توجه به اینکه احتمال به دست آمده ناشی از آزادی هاسمن در هر دو مدل کمتر از ۰.۰۵ می باشد، فرض صفر رد، و به عبارتی، مدل با اثرات ثابت در مقابل مدل با اثرات تصادفی تأیید می شود. بنابراین روش بهینه جهت برآورد مدل ها، مدل اثرات ثابت است.

جدول ۴-۲. نتایج آزادی های F و هاسمن برای معادله اول کشورهای جنوب غربی آسیا

| نتیجه | | احتمال | | مقدار | | |
|----------------------|----------------------|---------|---------|---------|---------|-------------|
| مدل دوم | مدل اول | مدل دوم | مدل اول | مدل دوم | مدل اول | |
| مدل داده های تابلویی | مدل داده های تابلویی | ۰.۰۰۰ | ۰.۰۰۰ | ۲۶.۱۷ | ۵۲.۲۳ | آزادی F |
| مدل اثرات ثابت | مدل اثرات ثابت | ۰.۰۰۰ | ۰.۰۰۰ | ۷۵.۲۱۴ | ۹۳.۳۲ | آزادی هاسمن |

مأخذ: محاسبات تحقیق

۴-۳. نتایج برآورد مدل های تصریح شده برای گروه کشورهای جنوب غربی آسیا

قبل از برآورد مدل ها، به بررسی ناهمسانی واریانس و عدم وجود خودهمبستگی با استفاده از نرم افزار استاتا پرداخته می شود.

۱-۳-۴. آزادی ناهمسانی واریانس

با توجه به اینکه در آزادی هاسمن مشخص گردید که روش برآورد مدل ها مدل اثرات ثابت می باشد، برای شناسایی ناهمسانی واریانس از آزادی والد تعدیل شده استفاده می گردد. نتایج حاصل از این آزادی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۳-۴. نتایج آزادی ناهمسانی واریانس برای دو مدل (مدل والد تعدیل شده)

| آماره | مقدار | احتمال | نتیجه |
|---|-------|--------|------------------|
| آزادی ناهمسانی واریانس والد تعدیل شده (فرضیه مدل اول) | ۵.۱۴ | ۰.۰۰۰۰ | ناهمسانی واریانس |
| آزادی ناهمسانی واریانس والد تعدیل شده (فرضیه مدل اول) | ۲.۶۸ | ۰.۰۰۰ | ناهمسانی واریانس |

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به اینکه در این آزادی فرض صفر، همسانی واریانس و فرض مقابل، ناهمسانی واریانس می باشد، باتوجه به نتایج فوق و پایین تر بودن مقدار احتمال در این دو مدل، فرض همسانی واریانس پذیرفته نمی شود و فرض ناهمسانی واریانس تأیید می گردد.

۲-۳-۴. آزادی عدم وجود خودهمبستگی:

برای بررسی عدم وجود خودهمبستگی از آزادی والدريج استفاده می شود: در این آزادی فرض صفر، عدم وجود خودهمبستگی و فرض مخالف، وجود خودهمبستگی می باشد.

نتایج آزادی به صورت زیر است:

جدول ۴-۴. نتایج آزادی خودهمبستگی (آزادی والدريج)

| آماره | مقدار | احتمال | نتیجه |
|-------------------------------|--------|--------|-----------------|
| آزادی والدريج (فرضیه مدل اول) | ۴۹.۳۸ | ۰.۰۰۰۰ | خودهمبستگی دارد |
| آزادی والدريج (فرضیه مدل اول) | ۴۸۴.۴۶ | ۰.۰۰۰ | خودهمبستگی دارد |

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از آزادی والدريج و با توجه به کمتر بودن احتمال از پنج صدم در هر دو مدل، فرض وجود خودهمبستگی در هر دو مدل تأیید می گردد. حال بعد از رفع مشکلات فوق، نتایج حاصل از برآورد مدل ها به صورت زیر می باشد:

جدول ۴-۵. نتایج برآورد مدل های اول و دوم (متغیر وابسته: ضریب جینی)

| | مدل دوم | | | مدل اول | | |
|---------------|-----------------|----------|-----------|-----------------|----------|-----------|
| | ضریب | Std. err | $p > z $ | ضریب | Std. err | $p > z $ |
| LGQI | - | - | - | -۰.۷۳ .۰ | ۰.۲ .۰ | ۰.۰۰ .۰ |
| LVAI | -۰.۳ .۰ | ۰.۱۱ .۰ | *۰.۰۲ .۰ | - | - | - |
| LPSI | -۰.۳۸ .۰ | ۱۲ .۰ | *۰.۰۲ .۰ | - | - | - |
| LGEI | -۱۸ .۰ | ۰.۲۹ .۰ | *۰.۰۰ .۰ | - | - | - |
| LRQI | ۰.۷۶ .۰ | ۰.۱۹ .۰ | *۰.۰۱ .۰ | - | - | -- |
| LRLI | -۰.۲۶ .۰ | ۰.۲۶ .۰ | ۳ .۰ | - | - | - |
| LCCI | ۱۲ .۰ | ۱۵ .۰ | ۰.۰۰ .۰ | - | - | - |
| LC1 | - | - | - | -۰.۲۵ .۰ | ۰.۰۵ .۰ | ۰.۰۰ .۰ |
| LY | - | - | - | -۰.۰۲ .۰ | ۰.۰۴ .۰ | ۵۲۷ .۰ |
| LG2 | ۰.۴۷ .۰ | ۰.۰۷ .۰ | ۰.۰۰ .۰ | ۰.۷۶ .۰ | ۰.۰۷ .۰ | ۰.۰۰ .۰ |
| LUP | ۳۱ .۰ | ۰.۴ .۰ | ۰.۰۰ .۰ | ۳۹ .۰ | ۰.۲۸ .۰ | ۰.۰۰ .۰ |
| LEII | -۲۹ .۰ | ۰.۸۸ .۰ | ۰.۰۱ .۰ | -۲۵ .۰ | ۰.۶۹ .۰ | ۰.۰۰ .۰ |
| LDEMO | - | - | - | -۱ .۰ | ۰.۱۲ .۰ | ۰.۰۰ .۰ |
| C | ۸۹ .۲ | ۳۶ .۰ | ۰.۰۰ .۰ | ۷۳ .۲ | ۰.۳ .۰ | ۰.۰۰ .۰ |
| Wald chi2 (9) | ۱۲.۵۶۹(۰.۰۰ .۰) | | | | | |
| Wald chi2 (7) | | | | ۲۶.۸۴۸(۰.۰۰ .۰) | | |

مأخذ: یافته های تحقیق

با توجه به نتایج حاصله، آماره F بیشتر از مقادیر بحرانی است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر قابلیت تخمین داده ها به شیوه تلفیقی پذیرفته نمی شود و لازم است مدل ها بر اساس داده های پانل برآورد شود.

نتایج تخمین مدل ها نشان می دهد که در مدل اول که به بررسی تأثیر شاخص های کیفیت حکمرانی بر نابرابری درآمدی پرداخته شده، شاخص کیفیت حکمرانی تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی داشته، به گونه ای که اگر شاخص کیفیت حکمرانی در منطقه جنوب غربی آسیا یک درصد افزایش یابد، توزیع درآمد به میزان ۰.۰۷۳ بهبود می یابد.

نتایج حاصل از تخمین مدل دوم که به برآورد تأثیر شاخص های ۶ گانه حکمرانی خوب بر توزیع درآمد می پردازد، که سه متغیر درآمد سرانه، مخارج مصرفی خصوصی و شاخص دموکراسی به دلیل اخلال در روند مدل از برآورد مدل حذف گردیدند. سه شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، شاخص ثبات سیاسی و شاخص اثربخشی دولت دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی بوده اند. اکنون به تشریح تأثیر این متغیرها بر نابرابری درآمد پرداخته می شود. شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی دارای تأثیر منفی بر ضریب جینی بوده است، به گونه‌ای که اگر این شاخص یک واحد بهبود یابد، ضریب جینی در منطقه جنوب غربی آسیا ۰/۰۳ است.

با توجه به اینکه در کشورهای توسعه یافته به دلیل توجه دولت به بخش خصوصی که درصد قابل توجهی از اقتصاد این کشورها را تشکیل می دهد و با نظر به وجود نهادهای جامعه مدنی از جمله انجمن های صنفی، اتحادیه ها، احزاب و انتخابات آزاد و سالم، به مردم این جوامع قدرت می بخشد تا در انتخاب دولت ها و همچنین برکناری آنها نقش مهمی داشته باشند. با توجه به قدرت شهروندان و استقلال رسانه ها که نقش مهمی در کنترل و زیر نظر گرفتن صاحبان قدرت در برابر عملکردشان دارند، دولت ها واکنش مناسب نسبت به نقد سیاست های اتخاذ شده اقتصادی دارند اما در کشورهای در حال توسعه که دولت در سیاست های اقتصادی نقش زیادی ایفا می کند و همچنین به دلیل فعالیت کم رنگ بخش خصوصی در اقتصاد این کشورها و نیز فقدان پاسخگویی و شفافیت از سوی دولت ها در قبال سیاست های اقتصادی غلط، جامعه نمی تواند نسبت به این سیاست ها واکنش نشان دهد و دولت در قبال این سیاست ها مسئول و پاسخگو نیست، که اجرای چنین سیاست هایی همچنین در صورت نبود سازوکارهای نظارتی و شفافیت قوانین، باعث افزایش هزینه های کسب و کار می شود و از این رهگذر، مانع توسعه کسب و کار و کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی شده و به تبع آن، بیکاری افزایش و نابرابری ها تشدید می شود. با توجه به چنین شرایطی، بهبود این شاخص در کشورهای در حال توسعه می تواند اثرات بیشتری بر بهبود توزیع درآمد در گروه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا داشته باشد.

شاخص ثبات سیاسی در این گروه از کشورها دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی بوده است؛ به گونه‌ای که یک درصد افزایش در ثبات سیاسی در منطقه جنوب غربی آسیا، ۰/۰۳۸ درصد ضریب جینی کاهش می یابد.

شاخص اثربخشی دولتی تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی در هر سه گروه داشته است. با توجه به عدم به کارگیری مناسب ظرفیت های خالی در فرایند تولید در کشورهای کمتر توسعه یافته، و از سوی دیگر، افزایش شاخص اثربخشی دولتی، باعث به کارگیری کارا و مؤثر از این منابع در جهت ارائه خدمات عمومی مناسب تر و کارآمدی بخشهای مختلف اقتصادی و به تبع، کاهش نابرابری

درآمدی در این گروه از کشورها می شود. با توجه به چنین شرایطی، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی مناسب و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران از جمله مواردی است که به بهبود توزیع درآمد کمک می نماید.

شاخص کیفیت قوانین و مقررات دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ضریب جینی می باشد.

همچنین در این گروه از کشورها، حاکمیت قانون بر نابرابری درآمدی بی تأثیر بوده است. با توجه به اینکه حاکمیت قانون طبق تعریف سازمان ملل عبارت است از اینکه همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی (شامل خود دولت) در برابر قانون پاسخگو باشند و به آن احترام بگذارند. حال با توجه به نداشتن وزارت دادگستری و قوه قضاییه قاطع و مستقل از فشارهای سیاسی و دستگاه دولتی و بی عدالتی و همچنین عدم حمایت از حقوق مالکیت معنوی و عدم تعهد به حسن اجرای قراردادهای و تعهدات و سلب مالکیت از سوی برخی از دولت ها و بی ثباتی اقتصادی، باعث می شود که افراد (حقیقی و یا حقوقی)، انگیزه کمتری برای سرمایه گذاری پیدا کنند.

همچنین چنانچه این احتمال وجود داشته باشد که شریک تجاری افراد (چه حقیقی و چه حقوقی) که می تواند خود دولت نیز باشد، به قراردادهای پایبند نباشند، باعث ناامنی و همچنین افزایش ریسک سرمایه گذاری و کاهش تولید شود. با توجه به چنین شرایطی در این کشورها، چنانچه این شاخص در کشورهای در حال توسعه بهبود یابد، تأثیر بیشتری از لحاظ بهبود وضعیت رشد تولید، تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی و کاهش بیکاری و در مجموع بهبود وضعیت درآمدی اقشار مختلف جامعه خواهد داشت؛ که با توجه به این شرایط، شاخص حاکمیت قانون دارای تأثیر منفی بر نابرابری درآمد می باشد اما دارای تأثیر معنادار نمی باشد.

شاخص دیگر، کنترل فساد است که دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ضریب جینی می باشد.

مخارج مصرفی خصوصی در مدل اول دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی می باشد. یعنی چنانچه این متغیر بهبود یابد، ضریب جینی نیز کاهش می یابد. با توجه به اینکه مصرف تابعی از درآمد افراد می باشد و نظر به اینکه در بلندمدت، میل نهایی به مصرف و میل متوسط به مصرف نیز برابر شده، چنانچه سطح مصرف به مقدار مشخصی افزایش یابد، گویای آن است که درآمد نیز در ابتدا با یک نسبت مشخص افزایش یافته، به صورتی که در مجموع میل متوسط به مصرف $(APC = \frac{C}{Y})$ ثابت باقی مانده است. حال با افزایش سطح درآمد با یک نسبت معلوم، مصرف نیز رشد پیدا کرده است و با افزایش مصرف نیز در نهایت، توزیع درآمد و سطح رفاه بهبود می یابد. اما مدل دوم به دلیل اخلال در برآورد، حذف گردید.

سرمایه گذاری دولتی در کالاها و خدمات عمومی در هر دو مدل دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ضریب جینی بوده است. چنانچه مخارج سرمایه گذاری دولت افزایش یابد، به گونه ای که مکمل

سرمایه گذاری بخش خصوصی باشد و در حیطه تولید کالای عمومی و بسترسازی برای ورود بخش خصوصی به تولید شود، از طریق فراهم سازی زیرساخت های اقتصادی و بالا بردن کارایی و بهره وری تولید بخش خصوصی، باعث ارتقای رشد اقتصادی و همچنین بهبود وضعیت اقشار ضعیف جامعه و توزیع درآمد جامعه می شود، اما در این گروه از کشورها به دلیل مداخله زیاد دولت در اقتصاد و داشتن رانت اقتصادی بالا و ناکارایی دولت و نقش ناچیز بخش خصوصی در مشارکت در تولید و سرمایه گذاری در این بخشها، چنانچه سهم این مخارج در تولید چنین کالاهایی افزایش یابد، به دلیل سوء مدیریت از سوی دولت و نداشتن ساختار مناسب اقتصادی، افزایش مخارج دولت در این بخش باعث کاهش مشارکت بخش خصوصی و کاهش اشتغال، افزایش بیکاری و در مجموع افزایش نابرابری در این کشورها می گردد.

درآمد سرانه در مدل دوم به دلیل اخلال در برآورد مدل از مدل حذف گردید. اما در مدل اول دارای تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی می باشد. این نشان می دهد که ساختار اقتصادی از یک همگونی مناسبی برخوردار شده و توانسته مزایای ناشی از رشد اقتصادی بین اقشار ضعیف جامعه نیز توزیع شود؛ به گونه‌ای که اثرات رخنه به پایین اتفاق افتاده و دولت توانسته از طریق توجه به سرمایه گذاری در آموزش نیروی انسانی و توجه به قابلیت های آنها در زمینه تخصص و مهارت های لازم در تولید و ارتباط با مراکز دانشگاهی کارایی در تولید را افزایش داده و از تولیدات سنتی فاصله گرفته و به کالاهای تخصصی با تکنولوژی پیشرفته تر روی آورده، که باعث تخصصی شدن نیروی کار در فرایند تولید شده، که باعث بالا رفتن درآمد و افزایش سطح دستمزدها و افزایش صادرات شده است و در مجموع، دستمزدها نسبت به میانگین جهانی نیز افزایش قابل توجهی می یابد و چنانچه سرمایه گذاری در آموزش نیروی کار در جامعه مورد توجه قرار گیرد، علاوه بر افزایش بهره وری نیروی کار، موجب کاهش در هزینه های تولید شده که علاوه بر اینکه موجب افزایش درآمد اکثریت افراد جامعه می شود، روی رفاه و امکانات در دسترس اقشار ضعیف و کارگران نیز تأثیر مثبتی دارد و در کل، توزیع درآمد بهبود می یابد.

متغیر دیگر، نرخ شهرنشینی است که ارتباط نرخ شهرنشینی با ضریب جینی در هر دو مدل مثبت و معنادار می باشد؛ به گونه‌ای که این رابطه در کشورهای صنعتی به دلیل شکل گیری و توسعه شهرهای کوچک و بزرگ در سیستم های شهری صنعتی عمدتاً هماهنگ با مراحل رشد و توسعه صنعت بوده است که نشان می دهد که با توسعه شهرنشینی نیز رشد اقتصادی بهتر شده و روی توزیع درآمد تأثیر مثبتی می گذارد، اما در کشورهای در حال توسعه این روند دارای جهت متفاوتی می باشد، و چنانچه یک درصد نرخ شهرنشینی افزایش یابد، نابرابری درآمد به میزان ۰,۳۹ درصد در مدل اول و ۰,۳۱ درصد در مدل دوم بیشتر می شود. با توجه به بالاتر بودن نرخ رشد جمعیت از نرخ رشد

اقتصادی در اکثر این کشورها، عدم توازن در ساختار بازار کار یا به عبارتی، فزونی عرضه بر تقاضای نیروی کار، افزایش سطح تحصیل کرده ها و جویای کار و نداشتن ارتباط منسجم میان مدارج دانشگاهی با نیازهای روز جامعه در مجموع باعث شده افزایش نرخ رشد جمعیت، به افزایش بیکاری دامن زده که به افزایش بحران های اجتماعی و نابرابری درآمد می انجامد.

شاخص آزادی اقتصادی دارای تأثیر منفی و معنادار برای هر دو مدل می باشد. نتایج جدول نشان می دهد که ضریب شاخص آزادی اقتصادی در این کشورها ضعیف می باشد، که عدم وجود یک چشم انداز روشن برای سرمایه گذاری، ضعف بازار سرمایه، عدم وجود حق مالکیت برای سرمایه گذاری خارجی، بوروکراسی زیاد، تعدد موارد تعرفه ای، عدم استقلال کامل دستگاه قضایی از دولت ها و روشن نبودن حقوق مالکیت را سبب شده است. همچنین می توان بیان داشت که در این کشورها (کشورهای جنوب غربی آسیا) که سیاست های تعدیل اقتصادی، بدون توجه به ساختارها و محدودیت های اقتصادی این کشورها به کار گرفته شده و بازنگری و پایش در رؤس برنامه ها به عمل نیامده، نه تنها اقتصاد آنها از رشد قابل قبولی برخوردار نبوده، بلکه شاخص های اجتماعی نیز تحول مثبت نداشته و نتیجه تعدیل، منجر به بدتر شدن وضعیت اقتصادی این کشورها شده است. حال با توجه به چنین شرایطی، چنانچه شاخص آزادی اقتصادی به طور مناسب در این کشورها اجرا شود، به بهبود فضای کسب و کار، افزایش اشتغال، کاهش بیکاری و توزیع بهتر درآمد کمک می نماید. شاخص دموکراسی در مدل دوم، به دلیل اختلال در برآورد مدل حذف گردید؛ اما در مدل اول، تأثیر منفی و معنادار بر ضریب جینی دارد. با توجه به اینکه ضریب دموکراسی در این گروه ضعیف می باشد، می توان بیان داشت که دموکراسی عامل تعیین کننده در جهت کاهش نابرابری و بهبود توزیع درآمد در جنوب غربی آسیا نیست و چنانچه در این کشورها مشارکت بیشتر باشد، مشارکت بیشتر به دلیل دموکراسی ضعیف، منجر به افزایش اندازه دولت ها در این کشورها می شود، که این نه تنها بر توزیع درآمد اثر مثبتی نداشته، بلکه احتمال می رود، روند نابرابری درآمدی را افزایش دهد؛ به طوری که هر چه در یک جامعه دموکراسی اجرا نشود و یا ضعیف باشد، افراد نمی توانند از امکانات و منابع مختلف در جامعه (آموزش های مناسب و سایر خدمات) به طور یکسان استفاده کنند؛ که عدم چنین امکاناتی باعث کاهش رشد بهره وری می گردد و افراد خاصی از این امکانات برخوردار شده که این موجب عدم انگیزه، نوآوری، کاهش اشتغال و افزایش بیکاری و به دنبال آن سبب بدتر شدن توزیع درآمد در جامعه می شود و بالعکس چنانچه دموکراسی در یک کشور (همانند کشورهای صنعتی) به طور کامل پیاده شود، علاوه بر برخورداری از تمام امکانات موجود در جامعه، انگیزه برای سرمایه گذاری و جذب نیروهای خلاق به وجود می آید و از فرار مغزها و نخبگان به خارج از کشور جلوگیری به عمل می آید و در مجموع به کاهش فاصله طبقاتی و نابرابری کمک می کند.

۵. نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

۵-۱. نتیجه گیری

هدف مطالعه حاضر، بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمدی در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۹ با استفاده از روش پانل داده ها است. با توجه شکاف های عظیم درآمدی و نبود توزیع مناسب درآمد بخصوص در کشورهای در حال توسعه و مشکلات پیش روی این کشورها، نیاز به حکمرانی خوب را افزایش می دهد تا با ترکیب سازوکارهای نوسازی و هماهنگی بیشتر بازار و دولت، یک راه حل مطلوب برای بهبود وضعیت اقتصادی و بهبود کیفیت دولت ارائه شود؛ به گونه ای که به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، حکمرانی خوب یک عنصر اساسی برای برطرف کردن مشکلات فوق الذکر به شمار می رود و نتایج تحقیق نیز نشان دهنده تأثیر منفی و معنادار بعضی شاخص های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمدی است. نتایج حاصل از تخمین ضرایب به صورت زیر می باشد:

- ۱- ضریب شاخص کیفیت حکمرانی خوب $-0,073$ و دارای ارتباط منفی و معنی دار می باشد که این فرضیه را مبنی بر ارتباط منفی و معنادار شاخص کیفیت حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد را تأیید می کند.
- ۲- شاخص شفافیت و پاسخگویی دارای ضریب $-0,03$ و دارای تأثیر منفی و معنادار می باشد که این فرضیه نیز تأیید می گردد.
- ۳- شاخص ثبات سیاسی و کنترل خشونت و تروریسم دارای ضریب $-0,038$ و دارای تأثیر منفی و معنی دار بر مدل می باشد؛ پس فرضیه مورد تأیید است.
- ۴- شاخص اثربخشی دولت، دارای ضریب $-0,18$ و تأثیر منفی و معنی دار بر مدل می باشد؛ پس فرضیه مورد تأیید است.
- ۵- شاخص کیفیت قوانین و مقررات، دارای ضریب $-0,076$ و تأثیر مثبت و معنادار بر مدل می باشد، که در مورد تأیید یا رد آن نمی توان اظهار نظر کرد.
- ۶- شاخص حاکمیت قانون دارای ضریب حدود $-0,026$ و دارای تأثیر منفی بر ضریب جینی است و اما معنی دار نمی باشد؛ پس این فرضیه تأیید نمی شود.
- ۷- شاخص کنترل فساد نیز دارای ضریب $-12,0$ دارای ارتباط مثبت و معنی دار می باشد، که در مورد تأیید یا رد آن نمی توان اظهار نظر کرد.

۲-۵- توصیه های سیاستی

با توجه به نتایج حاصل از مدل، توصیه های سیاستی ارائه می گردد:

۱- با توجه به تأثیر منفی و معنادار کیفیت حکمرانی بر ضریب جینی برای این کشورها، یک بسته سیاستی جهت تحقق الگوی حکمرانی خوب و بستر سازی برای اجرای اصلاحات اقتصادی، قضایی، اداری و مدیریتی و همچنین بهبود سیاست ها و توسعه نهادهای مدنی توصیه می شود. در قالب این بسته می توان با کنترل و مقابله با گسترش فساد، رانت اقتصادی، بهبود فضای کسب و کار و تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی، موجبات بهبود وضعیت رفاهی، رشد و توسعه اقتصادی کشورها و کاهش نابرابری و فقر را در جامعه فراهم کرد.

۲- با توجه به ارتباط منفی و معنی دار بین شاخص شفافیت و پاسخگویی و میزان نابرابری در هر مدل در کشورهای جنوب غربی آسیا می توان بیان داشت که در این کشورها دامنه پاسخگویی و حق اظهار نظر مردم از سوی مسئولان و مدیران دولتی ناچیز بوده و توصیه می شود چنانچه دامنه پاسخگویی و اظهار نظر بیشتر شود، دامنه سیاست های اختلاف زا کاهش یافته و اقدامات و تصمیمات اخذ شده از سوی سیاستمداران در جهت اجرای سیاست های موافق بازار و متغیرهای کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی و توزیع درآمد خواهد بود.

۳- با توجه به ارتباط منفی و معنی دار شاخص ثبات سیاسی و نابرابری درآمدی، توجه اکید به ثبات فضای سیاسی جامعه از طریق کاستن از میزان خشونت سیاسی و به کارگیری سیاست هایی که موجب کاهش تنش های قومی، جنگها و منازعات داخلی، اغتشاش و تروریسم سیاسی که خود موجب کاهش بحران در جامعه و خطر سقوط دولت ها را تشدید می کند توصیه می گردد؛ که در نهایت، موجب ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه گذاری، رشد تولید و افزایش درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش نابرابری می شود.

۴- با توجه به ارتباط منفی و معنادار شاخص اثربخشی دولتی بر ضریب جینی و مشکلات ناشی از مدیریت ضعیف دولت ها در کشورهای در حال توسعه، کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله در جهت کیفیت بهتر تهیه و تدارک کالاها و خدمات عمومی، فراهم نمودن زیرساخت های فیزیکی به منظور کاهش هزینه های معاملاتی با هدف افزایش توان رقابتی و بهبود کیفیت نظام اداری، صلاحیت مدیران و همچنین کاهش وابستگی خدمات همگانی از فشارهای سیاسی اکیداً توصیه می گردد که افزایش اشتغال، کاهش بیکاری و توزیع مناسب تر درآمد را در پی دارد.

۵- با توجه به تأثیر شاخص حاکمیت قانون بر ضریب جینی در جهت کاهش نابرابری کشورهای در حال توسعه و مشکلات فراوان این کشورها از قبیل فرار مغزها و نوآوران در این جوامع و عدم توجه به خلاقیت های آنها و نبود سیستم قضایی کارا و مستقل از نهادهای سیاسی دیگر، توصیه می شود

که این کشورها در جهت یک سیستم قضایی کارآمد و مستقل از فشارهای سیاسی و دفاع از حقوق مالکیت به منظور انگیزه بیشتر نوآوران و سرمایه‌گذاران به منظور سرمایه‌گذاری در یک فضای باز رقابتی و کارا اقدام نمایند که موجب افزایش درآمد ملی، صادرات و کاهش نابرابری می‌گردد.

۶- با توجه به تأثیر منفی شاخص دموکراسی بر نابرابری درآمدی، می‌توان بیان نمود که دموکراسی بیشتر باعث تحریک توزیع درآمد از ثروتمندان به فقرا شده و ممکن است گروه‌های همسود را تقویت کند؛ گرچه تلاش‌های فراوانی برای بهبود دموکراسی بین کشورها صورت گرفته است ولی باید تلاش‌ها بیشتر و هدفمند باشند و مسائل جدید دنیای کنونی را نیز بر عهده گیرند، که توصیه می‌شود این کشورها از طریق بهبود دموکراسی حاکم بر کشورهای خود و همچنین ایجاد بستری مناسب برای تحقق این هدف، گامی بزرگ و سازنده در جهت کاهش نابرابری و بهبود توزیع درآمد بردارند، که دربرگیرنده بهبود رفاه اجتماعی می‌باشد. می‌توان با بهبود دموکراسی و بهبود توزیع درآمد، با سرعت بیشتری این مسیر را پیمود.

۷- با توجه به تأثیر منفی شاخص آزادی بر ضریب جینی، توصیه می‌شود سیاست‌های تعدیل به صورتی انجام شود که مقطعی و گسسته نباشد، در غیر این صورت می‌تواند آثار سریع و زیانباری بر ساختار توزیع درآمد و فقر داشته باشد؛ به گونه‌ای که به تدریج و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امکان سنجی و بومی شود تا اجرای این سیاست‌ها، گامی در راستای کاهش نابرابری و افزایش رفاه اجتماعی باشد.

۸- با توجه به اینکه یکی از فرض‌های حاکم بر توابع رفاه اجتماعی، جمع‌پذیری آن است که باعث گردیده توابع رفاه اجتماعی افراد در کشورهای مختلف با یکدیگر جمع گردد و به عنوان یک محدودیت برای این توابع تلقی می‌شود. به محققان جدیدی که در این زمینه می‌خواهند به مطالعه بپردازند، پیشنهاد می‌شود تابع رفاه اجتماعی جدیدی را برای نداشتن چنین محدودیتی ارائه نمایند.

منابع و مأخذ

- ابریشمی، حمید. (۱۳۸۱). اقتصاد سنجی کاربردی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- احمدی، علی محمد و مهرگان، نادر. (۱۳۸۴). تأثیر سیاستهای تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۰.
- برادران شرکاء، حمیدرضا و ملک السادتی، سعید. (۱۳۸۷). حکمرانی خوب، کلید توسعه آسیای جنوب غربی. *مجله راهبرد*، شماره ۴۶.
- بشیری، عباس و شقاقی شهری، وحید. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی، (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب). *بررسی های بازرگانی*، شماره ۴۸.
- دانایی فرد، حسن؛ باباشاهی، جبار و آذر، عادل. (۱۳۹۱). تحول در رفاه ملی، آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می کند؟ *پژوهشهای مدیریت در ایران*، دوره ۱۶، شماره ۴.
- ذاکر هنجی، حمیده. (۱۳۸۶). نابرابری درآمدی در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۴-۱۰۴-۸۳.
- رهبر، عباسعلی و آخوند مهریزی، مسعود. (۱۳۸۷). پتانسیلهای فرهنگی مؤثر بر همگرایی در منطقه آسیای جنوب غربی. *راهبرد یاس*، شماره ۱۴۲.
- سامتی، مرتضی؛ رنجبر همایون و محسنی، فضیلت. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر توسعه انسانی (مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)). *فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۱، شماره ۴.
- سلیمی فر، مصطفی و نوروزی، روح الله. (۱۳۸۷). روند تغییرات نابرابریهای اقتصادی-اجتماعی در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۹۹۶-۲۰۰۶). *مجله دانش و توسعه*، دوره ۱۵، شماره ۲۴.
- سوری، علی. (۱۳۹۲). اقتصادسنجی پیشرفته (جلد دوم)، تهران: انتشارات نشر فرهنگ شناسی.
- شاه آبادی، ابوالفضل؛ نیلفروشان، نیما و خالقی، مریم. (۱۳۹۲). تأثیر حکمرانی بر رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه. *فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی*، دوره ۲۱، شماره ۶۵.
- صباح کرمانی، مجید. و باسزا، مهدی. (۱۳۸۸). نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۶.
- عبادی، جعفر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین دموکراسی و توزیع درآمد (شواهدی از ۱۴۲ کشور دنیا (اولین همایش بین المللی اقتصادسنجی: روشها و کاربردها. سندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج).
- عبادی، جعفر؛ شهیکی تاش، محمد نبی و درویشی، باقر. (۱۳۹۱). تغییرات رفاه اجتماعی در ایران، رهیافت پارتویی و غیر پارتویی از تابع کاردینالی رفاه اجتماعی. *مجله سیاستهای اقتصادی*، دوره ۸، شماره ۱.
- قاضی طباطبایی، محمود؛ نصرتی، نصرالله و کاظمی، علی. (۱۳۹۱). ارزیابی الگوی نظریه حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی. *مجله توسعه روستایی*، دوره ۴، شماره ۱.

- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه. (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۲، شماره ۲.
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای همسایه (ترکیه و پاکستان). *فصلنامه مدیریت*، دوره ۷، شماره ۲۰.
- گجراتی، دامودار. (۱۳۸۷). مبانی اقتصاد سنجی. ترجمه حمید ابریشمی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مبارک، اصغر و آذرپیوند، زیبا. (۱۳۸۸). نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۹، شماره ۳۶.
- مهرآرا، محسن و اسدیان، زینب. (۱۳۸۸). تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط. *مطالعات اقتصاد بین‌الملل*، دوره ۲۰، شماره ۳۵.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان توسعه. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ندیری، محمد و محمدی، تیمور. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۵، شماره ۲.
- Akram Zainab, Wajid Sajida, Mahmood Tahir, Sarwar Shoaib. (2011). Impact of Poor Governance and Income Inequality of Poverty in Pakistan. *Far East Journal of Psychology and Business*, No. 3: 43-55.
- Ashby, N., and R. Sobel. (2008). Income Inequality and Economic Freedom in the U. S. States. *Public Choice* 134: 329-346.
- Baltagi, Badi H. (1995). *Econometric Analysis of Panel Data*. Cambridge University Press.
- Camarero, Mariam, Tamarit, Cecilio. (2002). A Panel Cointegration Approach to the Estimation of Peseta Real Exchange Rate. *Journal of Macroeconomics*, 24: 371-393.
- Chaudhry, I. S.; Malik, S. and Imran, A. (2006). Urban Poverty and Governance: The Case of Multan City. *The Pakistan Development Review*, 45 (4): 819-830.
- Choi, In. (2001). Unit Root Tests for Panel Data. *Journal of international Money and Finance*, 20: 249-272.
- Erdogan, E. (2002). Price and Income Elasticities of Turkish Export Demand: A Panel Data Application. Central Bank of the Republic of Turkey Department. <http://www.tcmb.gov.tr/research/cbrev>.
- Gani, Azmat & Duncan, Ron (2004), "Fijis Governance Index", Australian National University and the University of the South Pacific.
- Gary A. Hoover, John, P. Foemby and Hoseong Kim. (2004). Poverty, Non-White Poverty, and the Sen Index; *Review of Income and Wealth*, No. 4: 543-559.
- Gerdtham, Ulf-G., Löthgren Mickael (2000). On Stationarity and Cointegration of International Health Expenditure and GDP. *Journal of Health Economics*, 19: 461-475.
- Gujarati, D. (2003). *Basic Econometrics*, 4th. New York: McGraw Hill: 638-640.

- Im, K. S.; Pesaran, M. H., & Shin, Y. (1997). Testing for Unit Roots in Heterogeneous Panels. Mimeo. Department of Applied Economics, Univ. of Cambridge.
- Justman, M. and M. Gradstein. (1999). The Industrial Revolution, Political Transition, and the Subsequent Decline in Inequality in 24th-Century Britain, *Explorations in Economic History*, 36, 109–127.
- Kaufmann Daniel; Kraay Aart and Massimo Mastruzzi. (2010). The Worldwide Governance Indicators, Methodology and Analytical Issues, The World Bank, Development Research Group, Macroeconomics and Growth Team, September.
- Levin, A.; Lin, C. F., and C. Chu. (2002). Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite-Sample Properties. *Journal of Econometrics*, 108: 1-24.
- Maddala, G. S. (1988). Introduction to Econometrics. University of Florida, Macmillan Publishing Company, New York.
- North, D. C. (1990). Institutions, Institutional Change and Economic Performance, Cambridge University Press.
- Shafique saima, and Haq, rashida. (2006). Governance and Income Inequality the Pakistan. *Development Review* No. 4: 751-760.
- Scully, G. (2002). Economic Freedom, Government Policy and the Trade-off between Equity and Economic Growth. *Public Choice* 113 (1-2): 77-96.
- Selcuk Akcay. (2006). Corruption and Human Development *Cato Journal*, 26 (1): 45-60.
- Sumarto, S., Suryahadi A. and Arifianto, A. (2004). Governance and Poverty Reduction: Evidence from Newly Decentralized Indonesia. MPRA Paper 58023, University Library of Munich, Germany.
- Knack, S. and Keefer, P. (1995), Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures. *Economics & Politics*, 7: 207–227.
- World Bank. (2003). Sustainable Development in a Dynamic World: Transforming Institutions, Growth, and Quality of Life. World Development Report. New York: Oxford University Press.
- World bank. (2011). World development indicators. Available at: <http://data.worldbank.org/data-catalog/>.
- World Bank. (2011). The worldwide governance indicators. Available at: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/index.asp>.
- Yaffee, R. (2003). A Primer for Panel Data Analysis. New York University, Information Technology Services, Available at: <http://www.nyu.edu/its/pubs/connect>.